

- پشت پرده های امروز: عدالت خواهی سرمایه دارانه به سبک خامنه ای - رئیسی



آرمان های قیام بهمن 1357 را با آرمان های جمهوری اسلامی خلط نکنیم. به یاد داشته باشیم که عناصر این حاکمیت هر ساله در 22 بهمن با «آرمان های امام راحل (قاتل)» تجدید بیعت می کنند. عدالت خواهی با داشتن هر شکلی از مهر و نشان گفتمان به اصطلاح «مستضعفین گرای» جمهوری اسلامی (برای مثال جریانی که به «عدالت خواهان» موسوم است و از جوانان بسیجی و حزب الله ی تا احمدی نژادی ها را در بر می گیرد) صرفاً در حکم ویتروینی برای «نمایش عدالت» در جمهوری اسلامی است.



پُشت پرده های امروز

عدالت خواهی سرمایه دارانه به سبک خامنه ای - رئیسی

به گزارش خبرگزاری تسنیم، آیت الله خامنه ای با کمک ویژه مالیاتی به شرکت‌هایی که امسال وارد بورس می‌شوند موافقت کرده است. بر اساس کمک های ویژه مالیاتی، ورود سازمان امور مالیاتی به پرونده های سال های ماقبل ۱۳۹۸ تمامی شرکت هایی که در سال جاری در بورس پذیرش می شوند ممنوع شده و سازمان امور مالیاتی متعرض حساب های سنوات گذشته آنها نخواهد شد لذا این شرکت ها فقط بابت صورت مالی سال ۱۳۹۸ خود مالیات خواهند پرداخت.

ابراهیم رئیسی (10 اردیبهشت): اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اجرایی آن و چارچوب تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری برای واگذاری بخش‌هایی از شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی امر درستی

است، مشکلات مربوط به حوزه خصوصی سازی ناشی از اجرای نادرست اصل ۴۴ و واگذاری کارخانجات به افراد فاقد صلاحیت، مهارت، دانش و سرمایه است.

هنگامی که در هفته های اول آذر ماه، خامنه ای در واکنش به وقایع آبان طی سخنانی مبادرت به معنا کردن «مستضعفین» به «آن کسی که بالقوه صاحب وراثت عالم است، بالقوه خلیفه الله در زمین است، بالقوه امام و پیشوای عالم بشریت است» کرد و از معنا شدن آن به افراد فرودست و اقشار آسیب پذیر انتقاد کرد، بسیاری شوکه شدند که رهبر جمهوری اسلامی اینچنین کمر همت به نابودی گفتمان چهل ساله ی نظام بسته است؛ گفتمانی که جمهوری اسلامی در رقابت با چپ مارکسیستی، همراه با اصطلاحاتی دیگر نظیر «استکبار جهانی» (در برابر «امپریالیسم») آن ها را بر ساخت کرد تا بتواند در جهانی که گفتمان مبارزان و انقلابیونش متأثر از انواع مارکسیسم و سوسیالیسم بود، در هیأتی مُبدل مسحورگر فرودستان باشد.

با این حال صداهایی واضح، نظیر صدای خود خامنه ای در همان اوایل انقلاب از جانب اسلام‌گرایان حول محور خمینی بلند بود که مایل به رونمایی از اصل اساسی اسلام در حوزه ی اقتصاد سیاسی، یعنی «دفاع از مالکیت خصوصی» بود. شاید اگر به این گذشته ی درخشان (!) بازگشتی شود، معناهای جدی تری را بتوان از جهت گیری های خامنه ای و رئیسی مستفاد کرد.

خامنه ای در سخنرانی ای به تاریخ تابستان سال ۱۳۵۹ در شرح خطبه اول نهج البلاغه چنین می گوید: «مستضعف به معنای پابرهنگان و گرسنگان مستمندان نیست معنای وسیع تر و عمیق تری دارد ... در جامعه جاهلی، ما دو دسته آدم داریم: یک دسته انسان هایی که جامعه را تدبیر می کنند و پیش می برند، اختیار و زمام کار جامعه دست اینها است؛ یک عده هم انسان هایی که زمام کار جامعه دست اینها نیست، در جامعه بیکاره اند، هیچ کاره اند ... طبقه اول مستکبری نند طبقه دوم مستضعفین. مستضعفینی که در توده مردم قرار دارند دو جور هستند: مستمند و غیر مستمند؛ یعنی آن آدم بدبخت فقیر کشاورز با روزی پانزده ساعت کار بدنی در زیر آفتاب و برف و باران هم جزو مستضعفین است، آن کسی هم که نه، آن قدر زجر نمی کشد، یک دکانی دارد و یک زندگی معمولی و یک کاسبکاری یا یک حقوق اداری، مستضعف است.»

چنین است تلاش جمهوری اسلامی برای نیل به «آشتی طبقاتی» (بخوانیم فدا شدن کارگران و فرودستان به پای منافع بورژوازی و خرده بورژوازی)!

وجود چهره هایی چون هاشمی رفسنجانی، بهشتی، خامنه ای، عسگر اولادی، رفیق دوست، ناطق نوری، و بازارایانی که حامی جریان خمینی بودند به عنوان پایه های اصلی بالیدن جمهوری اسلامی می تواند اثبات کننده ی این مدعا باشد که این نظام از ابتدای امر هم بنایی بر فرودست نوازی و تیمار فقرا نداشته است. دستور خمینی به بازگشت فوری کارگران اعتصابی به سر کار در فردای 22 بهمن (در حالی که هنوز هیچ مطالبه ای به ایشان داده نشده بود) و سرکوب همان کارگران نفت آبادانی که از مهر تا آذر 1357 با کمک های نقدی بازاریان و حمایت هیأت اعزامی خمینی به سرپرستی مهدی بازرگان دست به اعتصاب علیه حکومت پهلوی زده بودند، نشانه ی بارزی است از «اراده ی آهنین معطوف به سرمایه داری» که بنیانگذاران جمهوری اسلامی در سر می پروراندند.

کوتاه آنکه چنین گرهگاه هایی باید برای ما چراغ راهنمایی باشند برای اینکه:

- نظام جمهوری اسلامی را نظامی مُنحرف شده از آرمان عدالت و برابری و حاکمیت مستضعفان در معنای فرودستان ارزیابی نکنیم که بخواهیم مدام با ارجاع به چنان آرمانی به دنبال راه نجاتی در درون نظام باشیم. آرمان های قیام بهمن 1357 را با آرمان های جمهوری اسلامی خَلط نکنیم. به یاد داشته باشیم که عناصر این حاکمیت هر ساله در 22 بهمن با «آرمان های امام راحل (قاتل)» تجدید بیعت می کنند.
 - عدالت خواهی با داشتن هر شکلی از مُهر و نشان گفتمان به اصطلاح «مستضعفین گرایی» جمهوری اسلامی (برای مثال جریانی که به «عدالت خواهان» موسوم است و از جوانان بسیجی و حزب الله ی تا احمدی نژادی ها را در بر می گیرد) صرفاً در حُکم ویتروینی برای «نمایش عدالت» در جمهوری اسلامی است.
 - ایستادن بر لغو هر شکلی از «مالکیت خصوصی» بر اموال عمومی جامعه، آن نقطه ی ضعف جمهوری اسلامی است که به یک باره روکش فقیرنوازی اش را به کناری می گذارد و با سرکوب گرانه ترین قوای قهریه اش به میدان می آید.
-